

کیمیا

بیشتر مردم با سحرهای ماه رمضان آشنایی دارند و از برکات و آثار آن می‌گویند؛ اما تنها گروهی از اهل تهجد و نمازهای شب هستند که با «سحر سحر» و جادوی شگفت آن آشنایی دارند و حاضر نیستند هیچ زمان دیگری را ب آن جایگزین کنند.

سحر که همان زمان میان فجر کاذب و فجر صادق است، زمانی بس شگفت‌انگیز است؛ زیرا در این زمان به معنای حقیقی کلمه «سحر» اتفاق می‌افتد که انسان را مسحور خویش می‌کند؛ این سحر که انسان را شگفت‌انگیز می‌کند می‌تواند شامل دو جهت متضاد باشد؛ چرا که شخص ممکن است در سحر الهی قرار گرفته و به معراج برود، یا گرفتار سحر شیطانی شده و به جای عروج هبوط و سقوط کند و جزو غافلان شود.

نویسنده در این مطلب برآن است تا چرایی و چگونگی «سحر سحر» را براساس آموزه‌های قرآن و اسلام تبیین کند.

سحر گاهان، جادوی شگفت‌انگیز

واژه سَحر با فتح سین و حا، آخر شب، زمان قبل فجر از صبح را گویند و جمع آن اسحار است.المصباح، ج ۱–۲، ص ۲۶۷) واژه «التَّحَرُّزُ» به معنای زمان فجر کاذب و فجر صادق است. بنابراین، به زمانی که پس از فجر صادق اتفاق می‌افتد، سحر گفته نمی‌شود و جزو غافلان شود.

بر اساس آموزه‌های قرآن، سحر همان زمانی است که خدا در قرآن آن را این‌گونه تعریف کرده است: تا رشته سپید بامداد از رشته سیاه شب بر شما نمودار شود. (بقره، آیه ۱۸۷) بنابراین، بهترین زمان از سحر همان زمان میان فجر کاذب و فجر صادق است.

سحر سحر

از نظر قرآن

فجر کاذب یا صبح کاذب آن لحظه‌ای است که شب به پایان رسیده و برای اولین بار بعد از پایان شب، نور سفیدی درافق در سمت مشرق پیدا می‌شود و این سفیدی به شکل گوش گرگ است. در این لحظه، اگرچه شب به پایان رسیده، ولی هنوز وقت نماز صبح نرسیده است؛ چرا که هنوز صبح نشده است. به همین جهت به آن صبح کاذب یا فجر کاذب گفته می‌شود؛ اما در ادامه مقدار سفیدی کم کم گسترش پیدا کرده و در ناحیه مشرق پراکنده می‌شود. صبح صادق یا فجر صادق تحقق می‌یابد و در این موقع می‌توان نماز صبح را به جا آورد ودست از خوردن و نوشیدن در ماه رمضان کشید؛ زیرا در این هنگام صبح فرا رسیده است. باید توجه داشت که فجر کاذب از افق جداسد، اما فجر صادق به افق متصل است؛ همچنین فجر کاذب عمودی است، در حالی که فجر صادق افقی است؛ و نیز فجر کاذب در اولین لحظات بسیار درخشان است، ولی به مرور آن درخشش عمودی از بین می‌رود، در حالی که فجر صادق با نور کم طلوع می‌کند و با گذشتن زمان بر نور شده و در همه افق پراکنده می‌شود.(یزدی،سید کاظم، عروالوقتی، ج ۱، ص ۲۲۸؛ بورجردی، حسین، نه‌ایف‌التقریر فی مباحث الصلاة، ج ۱، ص ۱۵۲) پس از آنکه همه افق از نور خورشید پر می‌شود، کم کم خورشید از افق شروق طلوع می‌کند. در زمان طلوع خورشید، زمان نماز صبح به پایان می‌رسد و شخص می‌بایست قضای نماز صبح را به جا آورد نه ادای آن را.

پس بر اساس تعالیم قرآن و اسلام، سحر زمانی پیش از طلوع فجر صادق خورشید است که در بیشتر موارد حدود دو ساعتی از طلوع خورشید فاصله دارد؛ بیشترین تأثیر سحر را می‌توان بین‌الطلوعین از طلوع فجر کاذب تا طلوع خورشید دید؛ اما برای بسیاری از اهل سیر و سلوک دقایق بین‌الطلوعین میان فجر کاذب تا فجر صادق بسیار قوی‌تر و شگفت‌انگیزتر است. شگفت‌تر آنکه بسیاری از عروج‌ها در این زمان اتفاق می‌افتد، آنکه بسیاری از آن روست که این زمان در طلوع شبانه‌روز قویترین تأثیر را بر زمین و جانداران آن دارد. اصولاً در زمان طلوع و غروب خورشید، انرژی و قدرتی بس مضاعف وجود دارد که باید آن را کرد و از آن بهره‌مند شد. قرآن می‌فرماید: پس بر آنچه می‌گویند شکبیا باش و پیش از بر آمدن آفتاب و قبل از غروب آن، با ستایش پروردگارت او را تسبیح گوی، و برخی از ساعات شب و اواخر روز را به نیایش پرداز، باشد که خشنود گردی.(طه، آیه ۱۳۰)

وقتی از «سحر سحر» سخن به میان می‌آید، به معنای واقعی کلمه می‌بایست از جادوی شگفت‌انگیزی سخن گفت که در این زمان رخ می‌دهد؛ چنان‌که براساس آموزه‌های اسلامی، در هنگام بین‌الطلوعین خواه به معنای بین طلوع فجر کاذب و صادق باشد، و خواه به معنای طلوع فجر صادق تا طلوع خورشید، بیشترین سطح انرژی نوری الهی در جریان است؛ زیرا فرشتگان در این ساعت مخصوص در میانه شب و روز، در حال تردد هستند؛ چرا که فرشتگان شب بالا می‌روند و فرشتگان روز پایین می‌آیند که این ساعت را بسیار پر انرژی از نورانیت الهی می‌کند.

خواه این عروج با مرگ اختیاری و عبور از ملک دنیا به ملکوت اعلی با سجده بر خاک باشد و خواه با عروج نفس با مرگ غیر ارادی و اختیاری؛ زیرا همان‌طوری‌که نفس سالکان با سجده بر خاک به ملکوت اعلی می‌رود، نفس مردمان عادی در این زمان با بیشترین سکنه‌ها و مرگ‌ها مواجه شده و به ملکوت اعلی می‌رود و وفات در این ساعات رخ می‌دهد.

بنابراین، وقتی از «سحر سحر» سخن به میان می‌آید، به معنای واقعی کلمه می‌بایست از جادوی شگفت‌انگیزی سخن گفت که در اینن زمان رخ می‌دهد؛ چنان‌که براساس آموزه‌های اسلامی، در هنگام بین‌الطلوعین خواه به معنای بین طلوع فجر کاذب و صادق باشد، و خواه به معنای طلوع فجر صادق تا طلوع خورشید، بیشترین سطح انرژی نوری الهی در جریان است؛ زیرا فرشتگان در این ساعت بخصوص در میانه شب و روز، در حال تردد هستند؛ چرا که فرشتگان شب بالا می‌روند و فرشتگان روز پایین می‌آیند که این ساعت را بسیار پر انرژی از نورانیت الهی می‌کند.

از نظر علم فیزیک نوین نیز ثابت است که بیشترین

سطح انرژی در مدار زمین از شمال به جنوب در بین‌الطلوعین است؛ زیرا در این زمان حجم طبیعی از انرژی و مغناطیس روانه زمین می‌شود. البته این خط عمودی بسا حرکت زمین به دور خود همواره جابه‌جا می‌شود؛ به این معنا که در مدت چهار و پنج دقیقه این خط عمودی انرژی از شمال به جنوب که همانند کمربندی آن را احاطه کرده است، در حال گردش است؛ زیرا گردش خورشید همان طوری که موجب می‌شود تا در منطقه‌ای صبح تحقق یابد، در منطقه دیگر، شب فراسد. این‌گونه است که این خط عمودی در دو جهت متضاد دیده می‌شود. البته باید توجه داشت که خط عمودی که زمان طلوع خورشید یعنی در همان اوقات بین‌الطلوعین است، دارای انرژی و مغناطیس قوی‌تر از هنگامه غروب است. بنابراین، تأکید بر زمان بین‌الطلوعین به عنوان

لذٰلِكَ الشَّمْسُ اِلٰی غَسَقِ اللَّيْلِ وَقَرٰنَ الْفَجْرِ اِلٰی قَرٰنِ الْفَجْرِ كَانْ مَّشْهُودًا نماز را از زوال آفتاب تا نهایت تاریکی شب برپادار، و نیز نماز صبح را زیر نماز صبح همواره مقرون با حضور فرشتگان است. (اسراء، آیات ۷۸)

علامه طباطبایی در این باره می‌فرماید: «لوك الشمس» به معنای زوال آفتاب و ظهر است، «غسق الليل» به معنای نیمه شب است

براساس آموزه‌های اسلام همان طوری که در بین‌الطلوعین و سحرگاهان لشکر فرشتگان در آمد و شد هستند، لشکر شیطان و ابلیس نیز بسیج می‌شوند؛ زیرا آنان نیز می‌خواهند بندگان را از فرصت استثنایی در شبانه‌روز دور نگه دارند.غافلان در سحرگاهان در دام ابلیس و شیاطین گرفتار می‌شوند

و شیاطین با انواع وسوسه‌ها و اغواگری‌های خود بسیاری از مردم را از فیض سحر و بهره‌های بین‌الطلوعین محروم می‌کنند.

«سحر سحر» از آن روست که این زمان در طلوع شبانه‌روز قویترین تأثیر را بر زمین و جانداران آن دارد. اصولاً در زمان طلوع و غروب خورشید، انرژی و قدرتی بس مضاعف وجود دارد که باید آن را کرد و از آن بهره‌مند شد. قرآن می‌فرماید: پس بر آنچه می‌گویند شکبیا باش و پیش از بر آمدن آفتاب و قبل از غروب آن، با ستایش پروردگارت او را تسبیح گوی، و برخی از ساعات شب و اواخر روز را به نیایش پرداز، باشد که خشنود گردی.(طه، آیه ۱۳۰)

عصمت مطلق پیامبر (ص)

هر گونه احتمال خطا، اشتباه، سهو، نسیان، غفلت، جهل و مانند آنها در شخصی که در مقام پیامبری قرار می‌گیرد و می‌خواهد اسوه حسنه باشد، به دور از عقل و عقلانیت است؛ زیرا اگر احتمال این امور برود، نمی‌توان به او اعتماد کرد. از این رو خدا در قرآن بیان می‌کند که پیامبر(ص) در عصمت کامل و تمام قرار دارد و او هیچ سخنی جز سخن حق تعالی و خدا نکوید

پیامبری می‌دهند تا این‌گونه عصمت ایشان را بخودش یا محدود سازند، بلکه ایشان را در سطح خلقی ناقح پایین آورند و بگویند که پیامبر(ص) خطا کرده و پذیرفته‌است؛ بنابراین، خلای صدر اسلام نیز می‌توانند خطا کنند. در حقیقت نه تنها از احتمال خطا در پیامبر(ص) سخن می‌گویند، بلکه از وقوع آن نیز سخن می‌گویند. از جمله این موارد می‌توان به خطای پیامبر(ص) در امر تأثیر نخل یا همان لقاح نخل و خرما«(صحیح مسلم، طبع ۱۹۹۴م، حدیث شماره ۴۳۸۷) و دین شخصی یا چوبدستی یا خالیت‌جویی در زمان احتضار اشاره کرد که در موارد جمعی پیامبر(ص) به شکل قطعی قرآنی باشد، می‌بایست به حکم «فاضرو، علی الجدار» عمل کرد و آن را بر دیوار کوید و نادیده گرفت؛ چرا که ما احتمال این امور را جایز نمی‌دانیم؛ زیرا با عصمت کامل و اسوه حسنه بودن و معیار حق بودن در تضاد است. جالب این است که برخی برای توجیه اعمال خلاف نه تنها احتمال آن را برای

معارف

می‌تواند با پیداری همراه شود. در این زمان است که می‌توان به عروج نفس توجه داشت و به ملکوت اعلی راه یافت؛ زیرا سیر و اسراء شبانه با وحدت وجودی در شب رخ می‌دهد که در هیچ زمان دیگری امکان‌پذیر نیست. از همین رو معراج و اسراء پیامبر(ص) در این زمانه است. (سراء، آیه ۱) هنگامه شب بویژه سحرگاهان، انسان به مقام «تنسیج» می‌رسد و از هرگونه آلودگی و عیب و نقص بالایش می‌شود و نفس انسانی می‌تواند به عروج و معراج برود و ملکوت اعلی را دریابد و با مقام قدس الهی در عرش الهی پیوند بخورد.(همان)

مسحوران الهی سحرگاهان

از نظر آموزه‌های قرآن، مسحوران سحرگاهان را می‌توان به دو دسته اصلی متعهدین و غافلین تقسیم کرد. متعهدین کسانی هستند که با حضور در پیشگاه خدای سبحان، از وحدت وجودی برخوردار می‌شوند که آنان را با ملکوت اعلی پیوند می‌دهد و از هرگونه باطلی پاک می‌گرداند چنان‌که می‌فرماید: و یاسی از شب را زنده بدار تا برای تو به منزله نافع‌ای باشد، امید که پروردگارت تو را به مقامی محمود و ستوده برساند.(سراء، آیه ۷۹) از نظر قرآن، هر چند که شب و روز همه آیات الهی است و مشرق و مغرب همه برای خدا است(مزل، آیه ۹)، ولی زمان شب بویژه هنگام سحر زمانی سحرانگیز است که مسحوران را به شگفتی‌ها می‌کشاند؛ از همین رو به پیامبرش می‌فرماید: ای جلمه به خویشتن فرو پیچیده، به یا خیز شب را مگر اندکی، نیمی از شب یا اندکی از آن



لذٰلِكَ الشَّمْسُ اِلٰی غَسَقِ اللَّيْلِ وَقَرٰنَ الْفَجْرِ اِلٰی قَرٰنِ الْفَجْرِ كَانْ مَّشْهُودًا نماز را از زوال آفتاب تا نهایت تاریکی شب برپادار، و نیز نماز صبح را زیر نماز صبح همواره مقرون با حضور فرشتگان است. (اسراء، آیات ۷۸)

از این آیات به دست می‌آید که کسب علوم و معارفی بلند در گرو شب‌زنده‌داری و تهجد شبانه است که «قول ثقیل» و دریافت معارف بلند را به همراه دارد. از همین رو امام حسن عسکری(ع) در توصیف اسب رهوار شب می‌فرماید: اِنَّ الْوُضُوْلَ اِلٰی الله عَزَّوَجَلَّ سَفَرٌ لَا یُذَرُّكَ اِلَّا بِامْتِنَاعِ اللَّیْلِ؛ وصال به خداوند عزوجل سفری است که جز با مرکب راهوار شب زنده داری به دست نمی‌آید.(بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۲۷۹)

حافظ می‌گوید: هر گنج سعادت که خدا داد به حافظ از یمن دعای شب و ورد سحری بود مرو به خواب که حافظ به بارگاه قبول زور زنیهمه مدرس صحیگاه رسید

از نظر قرآن، مسحوران به سحر الهی سحرگاهان، با نماز شب و استغفار، خود را به مقام احسان می‌رسانند. (ذاریات، آیات ۱۶ تا ۱۸)

امام باقر(ع) این ساعات را ساعتی از ساعات بهشت دانسته و در بخشی از منظره خود با اسقف اعظم مسیحی درخصوص زمان بین‌الطلوعین این‌گونه فرمود: آن ساعات از ساعات بهشت است، لذا در آن ساعت بیماران به هوش می‌آیند و درها ساکن می‌شوند و کسی که شب را نخوابیده در این ساعت به خواب بنابراین، بهره‌مندی از بسحر سحر به شکل مثبت

می‌رود و خداوند این ساعت را در دنیا موجب علاقه کسانی که به آخرت رغبت دارند گردانیده و از برای عمل‌کنندگان آخرت دلیلی واضح ساخته و برای منکرین آخرت حجتی گردانیده است.

اسقف گفت: سؤالی دیگر می‌پرسم، به من خبر بده از ساعتی که نه از شب است نه از روز؟ امام باقر(ع) فرمود: آن همان ساعت بین طلوع فجر تا طلوع خورشید است که در این ساعت گرفتاران آرامش می‌یابند.

اسقف نصرانی گفت: اگر نه از ساعات‌های شب است و نه از ساعات‌های روز، پس از چه ساعتی است؟ امام فرمود: از ساعات‌های بهشت است و در آن ساعت است که بیماران ما بهبودی یابند؛ مِنْ سَاعَاتِ الْجَنَّةِ وَ فِیْهَا تَنْفِیْ مَرْضَاتِنَا(الکافی، ج ۸، ص ۱۲۳)

مسحوران شیطانی سحرگاهان

همان‌طوری که سحر سحر سحرگاهان مومنان را به معراج و اسراء و ملکوت اعلی می‌برد و آنان از ساعتی از ساعات بهشت بهره‌مند می‌شوند، غافلان، در دام شیطان و سحر او گرفتار می‌شوند.

براساس آموزه‌های اسلام همان طوری که در بین‌الطلوعین و سحرگاهان لشکر فرشتگان در آمد و شد هستند، لشکر شیطان و ابلیس نیز بسیج می‌شوند؛ زیرا آنان نیز می‌خواهند بندگان را از فرصت استثنایی در شبانه‌روز دور نگه دارند. امام باقر(ع) می‌فرماید: «ابلیس ملعون لشکریان خویش را در دو وقت، هنگام طلوع خورشید و غروب آن، پراکنده می‌سازد، چراکه این دو زمان، دو زمان غفلت است».(کافی، ج ۲، ص ۵۲۲، حدیث ۲)

غافلان در سحرگاهان در دام ابلیس و شیاطین گرفتار می‌شوند و شیاطین با انواع وسوسه‌ها و اغواگری‌های خود بسیاری از مردم را از فیض سحر و بهره‌های بین‌الطلوعین محروم می‌کنند.

مضرات خواب بین‌الطلوعین

در روایات متعددی خواب بین‌الطلوعین مذمت شده است. این خواب موجب فقر و پریشانی دانسته شده است. امام صادق(ع) فرمود: خواب صبحگاهان شوم است، رزق را دور و رنگ چهره را زرد و زشت می‌کند و این خواب شومی است. (بحارالانوار، ج ۸۶، ص ۱۲۹) در روایتی از امام باقر(ع) در مورد پرهیز از خواب صبحگاهی به ترغیب به بیداری در این ساعات آمده است: خواب صبح، شوم و نامیومن است، روزی در دور می‌سازد، رنگ صورت را زرد و متغیر می‌کند، خداوند متعال، رزق را بین‌الطلوعین تقسیم می‌کند، از خواب در این زمان بهره‌یزید و بدانید که من و سلوی (دو غذای لذیذی که از آسمان برای بنی‌اسرائیل نازل می‌شد) در این ساعت برایشان فرود می‌آمد.(تهذیب، ج ۲، ص ۱۳۹)

از جمله آثار منفی خوابیدن در بین‌الطلوعین می‌توان به فقر و بدبختی و نداری اشاره کرد. در روایت است: مَا عَجَبْتُ اَرْضَ اِلٰی زَهْرًا عَزَّ وَ جَلَّ كَمْیَجِیْهَا مِنْ ثَلَاثِ مِنْ دَمَّ خَرَامٌ یُسَفِّكُ عَلَیْهَا وَ اغْتِسَالِ مِنْ زَیْنِ اَوِ التَّوَمِّ عَلَیْهَا قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ؛ زمین به سوی پروردگارش، فریادی مانند این سه فریاد (از بعد شدت) برنمی‌آورد: فریاد از خونی که به ناقح بر روی او می‌ریزد، آب فسسی که با عمل زنا ریخته می‌شود، خوابی که پیش از طلوع خورشید باشد، (من لایضربه القفر، ج ۴، ص ۲۰) امیرمومنان علی(ع) نیز می‌فرماید: اَنَّ التَّوَمَّ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ قَبْلَ صَلَاةِ الْعِشَاءِ یُورِثُ الْفَقْرَ وَ شَتَاتِ الْأُمْرِ؛ خواب پیش از طلوع خورشید و نیز خواب قبل از نماز عشاء، باعث فقر و پریشانی امور می‌شود.(مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۱۱۰)

براساس آنچه بیان شد به خوبی معلوم می‌شود که خوابیدن در هنگام بین‌الطلوعین موجب جلب بلا و محبت است؛ زیرا اگر بیداری موجب رهایی و دفع و رفع بلاست، خواب عامل جذب آن خواهد بود.

براساس روایتی که از امیرمومنان(ع) وارد شده کسی که در این ساعات می‌خوابد گرفتار کوردلی می‌شود و معرفت الهی از دل او می‌رود. (دعوات رواندی، صفحه ۸۱، حدیث ۲۰۴ و بحارالانوار، جلد ۸۳، صفحه ۲۸۲، حدیث ۴۵ با ادکی تفاوت)

امام صادق(ع) نسبت به زیادی خواب هشدار می‌دهد و در حکمتی محکم و استوار می‌فرماید: اَرْغَةُ الْقَلِیلِ مِنْهَا کَثِیْرٌ؛ التَّائِ الْقَلِیلِ مِنْهَا کَثِیْرٌ، وَ التَّوَمُّ الْقَلِیلِ مِنْهُ کَثِیْرٌ، وَ الْمَرْضُ الْقَلِیلُ مِنْهُ کَثِیْرٌ، وَ الْعَادَاةُ الْقَلِیلُ مِنْهَا کَثِیْرٌ؛ خواب بیش از حد اندک آنها هم بسیار است؛ آتش، اندکش بسیار است. خواب، اندکش هم بسیار است. بیماری، اندکش هم بسیار است و دشمنی، اندکش هم بسیار است.(الخصال، ص ۲۳۸، حدیث ۸۴)

علت زنده ماندن نهضت امام حسین(ع)

در بین عوامل سه‌گانه پیدایش نهضت عاشورا: امتناع از بیعت، دعوت کوفیان و امر به معروف و نهی از منکر، عامل امر به معروف و نهی از منکر تفاوت عظیمی با دو عامل دیگر دارد؛ چون در عامل بیعت، تقاضا از طرف دشمن است، یعنی در زمینه یک تقاضای نامشروع و نارواست.لذا امام در مقابل این تقاضا «نه» می‌گوید، امتناع می‌ورزد و نمی‌پذیرد.

نسبت به عامل دوم نیز باید گفت دعوت کوفیان، امام را در مقابل دشمن قرار داد اما اگر عامل سوم را که امر به معروف و نهی از منکر است در نظر بگیریم.. این خود امام است که در برابر آنها قرا می‌گیرد و در واقع فساد اوضاع، شیوع بدی‌ها و منکرات و به تعبیر خود امام حلال شدن حرام‌ها و حرام شدن حلال‌ها و بالاخره مشاهده وضع ناپسامن و فاسد اجتماع، امام را در برابر آنها قرا می‌دهد و وادار به قیام می‌کند.

این عامل ارزش بسیار بیشتری از دو عامل دیگر به نهضت حسینی می‌دهد. به موجب عامل است که این نهضت شایستگی پیدا کرده است که برای همیشه زنده بماند، برای همیشه یادآوری شود و آموزنده باشد؛ یک درس جاویدان و یک نهضت بی‌نظیر در دنیا باشد. البته همه عوامل سه‌گانه آموزنده هستند ولی این عامل، آموزندگی بیشتری دارد، زیرا نه متکی به دعوت است و نه متکی به تقاضای بیعت؛

یعنی اگر دعوتی از امام نمی‌شد، حسین بن علی(ع) به موجب قانون امر به معروف و نهی از منکر نهضت می‌کرد. اگر هم تقاضای بیعت از او نمی‌کردند، باز ساکت نمی‌نستند.

روی همین جهت، ارزش قیام امام بر حسب این عامل خیلی بالا می‌رود و این درس شکل دیگری به خود می‌گیرد، حساب دیگری باز می‌کند، و عمده سبب و علتی که به این نهضت آن شایستگی را داده است که برای همیشه در پیشانی تاریخ بدرخشد، برای همیشه زنده بماند، یک درس جاویدان و یک نهضت بی‌نظیر در دنیا باشد همین جهت است، این عامل ارزش نهضت را بسیار بالا می‌برد و به همین دلیل ما باید امر به معروف و نهی از منکر را از نظر اسلام بشناسیم که این چه اصلی است؟ این چیست که آنچنان اصالت و قدرت دارد و آنچنان از نظر اسلام اهمیت دارد که مردی مانند حسین بن علی(ع) را وادار می‌کند که در راه خودش جان خویش را از دست بدهد، خون خود را بریزد، خون عزیزان خود را بریزد، خون یاران خود را بریزد و تن به فاجعه‌ای بدهد که واقعا در دنیا کم‌نظیر است.

آن وقت ما بعد از هزار و سیصد سال در مقابل امام باسیتیم و این طور گواهی بدهیم: «شَهِدْتُ اَنَّكَ قَدْ اَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَ اَتَيْتَ الزَّكَاةَ وَ اَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ جَاهَدْتَ لِلَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ حَتَّى اَتَاكَ الْيَقِیْنُ»، گواهی می‌دهم که تو نماز را بپا داشتی و زکات را پرداختی و امر به معروف و نهی از منکر کردی و خدا را خالصانه عبادت کردی و در راه خدا به نحو شایسته به جهاد برخاستی تا مرگ تو را دربر گرفت.

*** مجموعه آثار استاد شهید مطهری (حماسه حسینی(۱ و ۲))، ۱۷ص: ۲۲۱-۲۲۹ و ص ۲۱۴ – با تلخیص و ویرایش**

چراغ راه



آثار و برکات تبعیت از امام حسین(ع)

قال الامام الحسین(ع): من اتانا لم یعدم خصله من اربع: آیه محکمه، و قضیه عادلّه و اخا مستفاد و مجالسه العلماء».

امام حسین(ع) فرمود: هرکس به نزد ما (پدو به سیره اهل بیت(ع) تمسک جوید) چهار خصلت را از دست نمی‌دهد(حداقل از چهار خصلت بهره‌مند می‌شود) ۱- نشانه‌های محکم و استوار می‌شوند ۲- از قضاوتی عادلانه برخوردار می‌گردد ۳- با برادری سودمند و پرفایده روبه‌رو خواهد شد ۴- اجر و پاداش مصاحبت و مجالست با علما و دانشمندان را خواهد برد. ^(۱)

۱- کشف‌العجم، ج ۲، ص ۲۰۸

حکایت خوبان

تجسم معروف و منکر و آثار آن

امام حسین(ع) فرمود: بدانید که هر کار نیک و معروفی، بهر‌اش نیک و ستایش، و به دنبالش اجر و پاداش عظیم خواهد بود. پس اگر کار نیک و معروف را مجسم کنید و بنگرید، آن را در چهره انسانی نیکو و زیبا می‌بینید که به ناظران خود سرور و شادی می‌بخشد، و اگر کار بد، زشت و منکری را مجسم کنید و بنگرید، آن را زشت و قبیح و مسخ شده می‌بینید که دل‌ها او را بیزار و متنفر می‌گردد، و چشم‌ها هم از نفرت دیدن وی به روی هم بسته می‌شود.^(۱)

۱- بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۲۱

پرسش و پاسخ

علل همراهی نکردن

طرفداران امام حسین(ع)

پرسش:

چه علل و اسبابی موجب شد طرفداران امام حسین(ع) و مردم کوفه با ایشان همراهی نکنند و با تنها گذاشتن ایشان موجب شهادت حضرت و ۲۲ تن از یاران باوفایش شوند؟
پاسخ:

۱- مسلمانان حرفی به جای مسلمانان عملی

طرفداران امام حسین(ع) به فرموده آن حضرت، اسلام، لقلقه زبان‌شان بود و در عمل به آموزه‌های وحیانی اسلام پایبند نبودند و التزام عملی نداشتند و مبانی اعتقادی و ایمانی آنها ضعیف و سست بود، چنان‌که حضرت می‌فرماید: «الناس عبید الدنیا و الدین لعق علی السننهم یحوظونه ما دَرَت معایشهم فاذا محصوا بالبلایه قل الذّیانون» مردم بندگان دنیابند و دین، تنها بر زبان‌شان جاری است. هنگامی که امر معاش آنها سرشار و تامین است، دین‌گیرند، ولی هنگامی که در تنگناها و بلاها قرار گرفتند و آزموده شدند، دینداران واقعی اندک می‌گردند.(بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۳) به تعبیر قرآن «من الناس من یبعد الله علی حرف» بعضی از مردم هستند که خدا را با حرف (براساس منافع‌شان) می‌پرستند. (حج- ۱۱)

و بالاخره امام حسین(ع) در رویارویی صحرای کربلا علل انحراف و نافرمانی آنان را با صراحت بیان فرمود: همه شما از فرمان من سرپیچی می‌کنید و به سخنانم گوش فرامی‌دهید. عطایای حرام شما را سست و سنگین کرده و شک‌تان از حرام آکنده شده است. از این‌رو، به مرد‌ل‌های‌ت‌مهر (صلالت) خورده‌است.(مقتل‌الحسین‌خوارزمی، ج ۲، ص ۶)

۲- عدم تشکل و ضعف امکانات مادی هواداران امام حسین(ع)

یکی از ویژگی‌های کوفیان، نظام‌ناپذیری بود، به همین جهت، هواداران امام حسین(ع) نیز تشکل خاصی نداشتند. کوفیان به‌دلیل حاکمیت نظام قبیله‌ای در کوفه، تابع رئیس قبیله بودند. از این‌رو، در صورت کنار‌گیری رئیس قبیله یا دستگیری و یا خیانت او، مردم نمی‌توانستند تصمیم‌گیری کنند. افزون بر عدم تشکل هواداران امام، ضعف امکانات مادی و مالی، تجهیزات نظامی آنان نیز در شکست قیام امام حسین(ع) بی‌تأثیر نبود.

۳- تشکل اداری و قدرت اقتصادی دشمنان امام حسین(ع)

در مقابل هواداران امام حسین(ع) دشمنان آن حضرت و طرفداران حاکمیت اموی، در قالب نظام اداری کوفه، دارای تشکل بودند و امکانات اقتصادی و تجهیزات نظامی این شهر را در دست داشتند. هرچند برای مقابله با مسلم این عقیل فرستاده امام حسین(ع)، با دو مشکل اساسی روبه‌رو بودند: یکی ضعف مدیریت نعمان ابن بشیر، و دیگری، جَوّ عمومی هواداری مردم از امام حسین(ع) که با آمدن این‌زیاد هر دو مشکل حل شد.

۴- تهدید و تلطیع مردم

ابن‌زیاد برای درهم شکستن فضای سیاسی اجتماعی کوفه، که به شدت تحت تأثیر فعالیت هواداران امام حسین(ع) بود، کار خود را با تهدید و تلطیع مردم آغاز کرد و در نخستین سخنرانی خویش پس از ورود به کوفه، به مردم گفت: امیرمومنان (یزید) مرا به شهر شما گمارده و بیت‌المال‌تان را تقسیم کرده و دستور داده به ستم‌دیدگان شما خدمت کنم و بر گوش به فرمان‌ها و مطیعان شما، احسان نامبرم و در نافرمانان و مشکوک‌ها، سخت بگیرم. من در در انجام رساندن فرمان او، تا پایان خواهم ایستاد، و نسبت به فرامیزان شما، همانند پدری مهربانم، و بر مخالفان، همانند زهر کشنده‌ام. پس هرکسی تنها برای حفظ خود بکوشد. (تاریخ طبری، ج ۵، ص ۳۵۸)

ادامه دارد

سلوک عارفانه

خون سیدالشهدا(ع)

خون‌های همه ملت‌ها را به‌جوش می‌آورد

سیدالشهدا(ع) مذهب را بیمه کرد. با عمل خودش اسلام را بیمه کرد و نگهداشت آن. این خون سیدالشهدا(ع) است که خون‌های همه ملت‌ها را به جوش می‌آورد، در این دستجات عاشورا است که مردم را به هیجان می‌آورد و برای اسلام و برای حفظ مقاصد اسلامی مهیا می‌کند. ^(۳)

۱- صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۵۲

۲- همان، ج ۱۵، ص ۳۲۱

صفحه معارف روز‌های: شنبه، یک‌شنبه و پنج‌شنبه منتشر می‌شود
تلفن‌های مستقیم: ۰۲۲۲۱۱۹۹۹۳ – ۰۲۲۲۱۲۰۳۵۲
Maarefkayhan@Kayhan.ir